

بررسی آیات ارتداد در تفاسیر فریقین

علی احمد ناصح^۱

طیبه زارعی^۲

چکیده

گستره مفهومی واژه "ارتداد" در قرآن کریم عام‌تر از مفهوم ارتداد فقهی است و از حیث سیاق و ترکیب عبارات با ذکر قیود شرطی در پاره‌ای از آیات نیز جنبه حکمی می‌یابد. از این رو، برخی از مفسران فریقین با استناد به اطلاقات ادله توبه بر این باورند که توبه مرتد مطلقاً مجاز است و اقتضا دارد که مورد پذیرش واقع شود و این اطلاق اعم از آن است که مرتد به معنای فطری باشد یا ملی و یا ارتداد از جانب مذکر باشد یا مؤنث و یا آنکه کفر وی بانیّت یا با گفتاری کفرآمیز و یا با کاری کفرآور محقق شود. لکن گروهی دیگر از مفسران فریقین قائل به تفصیل شده‌اند. از آنجا که منشأ اصلی اختلاف در صدور احکام ارتداد که مترتب بر مجازات‌های دنیوی و اخروی است، هم می‌تواند ناشی از اختلاف مبنایی باشد و هم ریشه در شیوه استنباط از آیات مربوطه داشته باشد، این پژوهش با روش توصیف و تحلیل محتوا، در صدد است ضمن بررسی اهم آرای تفسیری فریقین، راه حل مناسبی در برون رفت این تعارض نیز ارائه نماید.

کلید واژه‌ها: ارتداد، مرتد، مفسران اهل سنت، مفسران شیعه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ aliahmadnaseh@yahoo.com

^۲ t_zareie_maaref@yahoo.com

^۱ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

^۲ دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه قم

مقدمه

عدم تفکیک گستره مفهوم ارتداد با مفاهیم و مسائلی چون انتخاب آزادانه دین و امکان تغییر عقیده و یا اجتهاد و استنباط مغایر با دیدگاه‌های رایج و اجماعی یا مشهور فقها و مفسرین، در پاره‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته، موجبات خلط مبحث و طرح شبهاتی بوده است؛ بنابراین، برای تنویر مسئله به نکاتی چند اشاره می‌شود.

۱- تفاوت ماهوی ارتداد با آزادی دینی: برخی با قرار دادن آیه ۲۵۶ سوره بقره

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» در کنار احکام مجازات ارتداد مانند آیه ۲۱۷ سوره بقره «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» درصدد الفای گونه‌ای تعارض و ناسازگاری آزادی دینی با کیفر مرتد بر آمده‌اند و حال آنکه قدر متیقن در آیه اول، آن است که با تبیین و آشکار شدن مرز میان حق و باطل، بحث از اکراه موضوعاً منتفی است؛ بنابراین، آزادی دینی با ارتداد که انکار آگاهانه ضروری دین از روی عمد و عناد و یا تمسخر است، منافاتی ندارد. بدیهی است که میان مفهوم اسلام که همان الزام به ظواهر دین است با مفهوم ایمان که تصدیق قلبی و باور دورنی است نیز بایستی تفاوت قائل شد؛ (مستفاد از آیه ۱۴ سوره حجرات). بر این اساس

احکام دنیوی ارتداد با فرض تأیید و استحقاق، صرفاً معطوف به بُعد اول است و اثبات بُعد دوم که با اکراه نیز سازگار نیست، اساساً امری دشوار و تا حدودی غیر ممکن است.

۲- تفاوت ماهوی ارتداد با صرف تغییر عقیده: اختلاف و مغایرت پاره‌ای

عقاید در بین پیروان دین اسلام تا زمانی که در دایره ضروریات مسلم دین قرار بگیرد، از يك سوی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ زیرا، هر گروه با اصرار بر آن عقیده خاص، خود را محق و طالب حق و حقیقت می‌داند بنابراین، صرف مخالفت با اجماع علمای امت فی نفسها نمی‌تواند موجب کفر و ارتداد شود. و از سویی دیگر می‌تواند مقبول و غیر مذموم نیز باشد؛ زیرا، هر گروه از راه اجتهاد و استنباط و با استناد به دلایل قطعی و معتبر، باور متفاوت خود را مطابق با واقع می‌پندارد. پس اجتهاد به معنای مصطلح، موجب کفر و ارتداد نیز نمی‌شود. طرفه آنکه ممکن است این تغییر حتی از روی کور دلی یا استضعاف فکری صورت بگیرد. بنابراین، صرف تغییر عقیده به طور کلی که ماهیت آن قصد ایصال به حق و حقیقت است با ارتداد که ماهیت آن عناد، جحد و لجاجت است هیچگونه منافاتی ندارد.

مفهوم ارتداد

"ارتداد" از ماده "رَدَد" برگرفته شده است. در لغت، به معنای مطلق رجوع از چیزی به چیز دیگر است؛ بنابراین، معنای لغوی ارتداد هیچ بار مثبت و یا منفی ندارد، اما معنای اصطلاحی آن که مورد اتفاق فقهای شیعه و سنی است به معنای بازگشت از اسلام به کفر به کار می‌رود که این معنا بار منفی دارد. پس به مسلمانی که از آیین اسلام خارج شده و کفر را برگزیده است، "مرتد" گفته می‌شود. راغب اصفهانی در کتاب المفردات خود گارتدادگ را به هر دو معنا گرفته است: یکی، به مفهوم مطلق رجوع و دیگری، بازگشت از دین به کفر (راغب، ۱۳۶۵: ۱۹۲-۱۹۳).

در قرآن کریم، غالباً ارتداد به مفهوم لغوی آن یعنی مطلق رجوع یا درباره بازگشت به دوران جاهلیت آمده است؛ همانند آیات ذیل:

۱- فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا (هنگامی که مژده دهنده آمد و پیراهن یوسف را بر صورت یعقوب انداخت، چشمانش به حالت اولیه برگشت (بنا شد) (یوسف / ۹۶).

۲- قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (موسی گفت: این همان است که ما می‌خواستیم و آنها از همان راه بازگشتند در حالی که پی جویی می‌کردند) (کهف / ۶۴).

۳- وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِالْعَنَافِ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از نکند) که زیانکار خواهید بود) (مائده / ۲۱).

۳- إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید شما را به عقب باز می‌گردانند) (آل عمران / ۱۴۹).

لکن فقط دو آیه به اصطلاح ارتداد از دین صراحتاً اشاره کرده است و آن دو آیه عبارت‌اند از:

الف - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر یک از شما از دینش برگردد چه باک؛ خداوند به زودی گروهی را جای‌گزین خواهد کرد که پروردگار آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز خدا را دوست می‌دارند) (مائده / ۵۴).

ب - وَمَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمَتٍ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (از میان شما آنان که از دینشان برگردند و کافر بمیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و جاودانه در جهنم باشند) (بقره / ۲۱۷).

در این دو آیه مسئله ارتداد به صورت شرط و جزای شرط ذکر شده است، ولی با صراحت از مجازات دنیوی مرتدان سخن به میان نیامده و به طور کلی در قرآن حکم مرتد اعلام نشده است؛ آنچه بیان شده، نابودی اعمال آنان و یا جای‌گزینی مؤمنان بهتر و برتر است. با این حال در تفسیر آیه دوم دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقضی مطرح است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بازرسی
قرار خواهد گرفت

آثار ارتداد در قرآن

خدای متعال در قرآن کریم، ضمن هشدار به بازگشت کنندگان از ایمان، از عقوبات و جزایهای متعدد دنیوی و اخروی برای مرتدین سخن به میان آورده که اهم آنها بدین قرار است:

۱ - حبط اعمال در دنیا و آخرت

از بین رفتن عبادات و ثواب‌های انجام شده توسط انسان، یکی از نتایج برگشت انسان به سوی کفر است: «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک گذشته‌ی او، در دنیا و آخرت بر باد می‌رود. و آنان اهل جهنمند و در آن همیشه معذب خواهند بود) (بقره / ۲۱۷).

در لغت "حبط" به فتح با و آن همانند باد کردن شکم حیوان و یا شتر ناشی از پرخوری است که در نتیجه بر اثر پرخوری می‌میرد. اطلاق این فعل بر باطل شدن عمل دلالت می‌کند که در این حالت نوعی تمثیل و تشبیه وجود دارد؛ زیرا، شتر با اشتها گیاهان سبز را می‌خورد و همین امر موجب به مرگ او می‌شود. قرآن کریم وضعیت و حال کسی که اعمال نیک را برای مصلحت‌های شخصی خود به نیت آخرت انجام می‌دهد، اما اثر و سودی در آنجا نمی‌یابد به حیوانی تشبیه کرده که پرخوری می‌کند و همین امر مایه مرگش می‌شود؛ از همین رو، اعمال صالح و نیک را به دلیل آشکار بودن آن تشبیه و تمثیل مقید نساخته است. پس مراد از حبط اعمال، از بین بردن آثار اعمالی است که حکم شرعی بر آنها تعلق می‌گیرد، که شامل آثار دنیوی و ثواب اخروی می‌شود و آن راز نهفته در سخن خداوند: "در دنیا و آخرت" آثار دنیوی اعمال است که ویژگی فرد مسلمان را اثبات می‌کند و نخستین آن آثار تلفظ شهادت است که در حرام بودن قتل نفس و اموال دیگران و شرف و آبرو و درود بر پیامبر (ص) که بعد از مرگ و دفن در مقبره‌های مسلمانان ظاهر می‌شود.

بُورِشَ بِنِي
بُورِشَ بِنِي
بُورِشَ بِنِي

مراد از اعمال در این آیه کارهایی است که به واسطه انجام دادن آنها به خداوند نزدیک می‌شوند و امید پاداش دارند به قرینه اصل ماده و جایگاه تحذیر و هشدار؛ زیرا اگر اعمال نکوهیده آنها باطل شود سخن خداوند تحریض خواهد بود. از سوی دیگر اعمال در قرآن با

واژه حبطت به خاطر وجود قرینه در اعمال صالحات بدون قید ذکر شده و عبارت «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» عطف بر جمله جزاء بر کفر است؛ زیرا، کارها با نتیجه آنها سنجیده می‌شوند و بر کفر دو امر مترتب می‌باشد: باطل بودن فضل کارهای پیشین و مجازات با عذاب جاودانه در دوزخ و از آنجائی که جاودانه و همیشگی عذاب مجازات دیگری است، اسم اشاره در عبارت قرآنی دوبار تکرار شده است: «وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ» آن‌ها یاران دوزخند. و آوردن اسم اشاره در دو موقعیت هشدار می‌دهد مبنی بر اینکه آنان شایسته چنین جایگاهی هستند؛ یعنی جایگاهی که قبل از اسم اشاره ذکر شده است که در حقیقت از بین بردن اعمال (بی اثر کردن اعمال صورت گرفته) بر دو امر متعلق شده است: بر ارتداد و بر کفر. قرآن در چند آیه ارتداد را به مرگ مقید نکرده است: جایی که فرموده: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است) (مانده / ۵) و نیز: «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اگر شرك ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد) (زمر / ۶۵). و نیز: «وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (و اگر آنان شرك ورزیده بودند، قطعاً آن چه انجام می‌دادند از دستشان می‌رفت) (انعام / ۸۸). (ابن عاشور، ۱۹۹۸ م، ج ۲: ۳۲).

از آنجا که شرط صحت عبادات، اسلام و ایمان واقعی فرد است، بقاء بر اسلام نیز از لوازم اصلی آن است؛ بنابراین، کسی که پس از مسلمان شدن، دوباره کافر شود، مانند این است که از اول ایمان نداشته و عبادات او باطل است؛ لذا اگر در حال کفر بمیرد، تمام اعمالی را که در زمان مسلمانی انجام داده، از بین می‌رود (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۲۰).

۲ - عدم درک حقیقت

بازگشت به کفر و نفاق پس از شناخت اسلام، از بین رفتن حس تشخیص انسان و محروم ماندن از درک حقیقت را برای او در پی دارد (مکارم، ۱۳۷۳، ج ۱۱: ۴۲۰). قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ از این رو بر دل‌های آنان مهر نهاده شده، و

بازگشت به کفر و نفاق پس از شناخت اسلام، از بین رفتن حس تشخیص انسان و محروم ماندن از درک حقیقت را برای او در پی دارد (مکارم، ۱۳۷۳، ج ۱۱: ۴۲۰). قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ از این رو بر دل‌های آنان مهر نهاده شده، و

حقیقت را درک نمی کنند!) (منافقون / ۳). مرتدین به خاطر اینکه یک باره به آخرت و طریق هدایت پشت کرده و درگیر زندگی دنیایی شدند، عقل و شعورشان در مادیات خلاصه شده و از تمامی آنچه به امور معنوی خلاصه می شود، از قبیل پند و اندرز و حجت های مربوط به زندگی اخروی غافل می گردند؛ و این عمل دلیل مهر خوردن دل و بسته شدن چشم ها و گوش های آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲: ۳۵۵).

۳ - خسران مادی و معنوی

ضرر و زیان ناشی از بازگشت به شرک، خسران دنیوی و اخروی است: «فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (همین که دنیا به آنها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رومی آورند) (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده اند، و هم آخرت را و این همان خسران و زیان آشکار است) (حج / ۱۱).

«وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (و هر کس به ایمان (دین اسلام) کافر شود عمل او تباه شده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود) (مائده / ۵). حسینی آورده است:

ابن عباس نقل نموده که جمعی از اعراب به مکه آمدند و مسلمان شدند، پس هر کدام ایشان را که مرضی عارضش نشده تدرست بود و زنش پسر تولد نمود و مواشی او نتایج نیکو دادند، می گفت: اسلام، خوب دینی است و مرا به سبب آن نیگوئوها پیش آمد و دلش به اسلام آرمیده می شد. و هر که را قضیه بر عکس این دست می داد، از دین برمی گشت و می گفت: اسلام بر من میمون و مبارك نیست و ابو سعید خدری نقل نموده که یکی از یهود ایمان آورد و اتفاقاً او را درد چشم طاری شد و مبتلا گردید، خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت دین اسلام مرا شوم گرفته مرا از آن اقاله کن. حضرت فرمود: اسلام اقاله نشود، یهودی مرتد شد، و آیه شریفه نازل گشت. انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ: برگردد به روی خود، یعنی از

وجهی که از آن متوجه شده باشد به اسلام که کفر بود باز به آن برگردد. مراد آنکه مرتد شود و دین اسلام را از دست دهد (حسینی، ۱۳۶۳، ج ۹: ۲۳).

زراره درباره آیه مذکور از امام باقر (ص) پرسید. امام فرمود آنها قومی بودند که موحد شدند؛ اصنام را کنار گذاشتند؛ از شرك خارج شدند ولی نشناختند که محمد رسول الله است. آن‌ها خدا را در شك از رسالت آن حضرت و دینش عبادت کردند و پیش او آمده و گفتند: بنگریم اگر اموالمان زیاد شد، در بدن و اولاد سلامت شدیم می‌دانیم که او راستگوست و رسول خداست، اگر چنین نباشد در کار خود می‌نگرد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲) و چنانچه از پیروی دین اسلام ضرر و زیانی متوجه آنان گردد و رفاه زندگی از آنان سلب شود و به مشقت و سختی دچار گردند آن را از شئامت دین پنداشته و از آن دوری نمایند؛ هم چنانکه روش بت پرستان نیز چنین است که به طمع رسیدن به خیر دعا و درخواست از بت اقدام می‌نمایند و از ضرر و زیان آن پرهیز می‌نمایند (حسینی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ۱۳). شخصی که در امتحانات الهی و مشکلات زندگی، در ایمان خود ثابت قدم نمانده و از دین الهی مرتد شود، با دور شدن از خدا و افتادن در خط شیطان، گرفتار انواع مشکلات شده و بدون داشتن منجی و یاور، در حوادث غوطه‌ور می‌شود و در آخرت نیز به سوی عذاب الهی رهسپار می‌گردد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۲۸).

حکم ارتداد در قرآن

هرچند خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره آل عمران، پرده از يك حقیقت برمی‌دارد و نشان می‌دهد که ارتداد به عنوان یک توطئه و جریان فتنه انگیز برای ایجاد زلزله در باورهای دینی مسلمانان از سوی دشمنان داخلی و خارجی مطرح بود. «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (و گروهی از اهل کتاب گفتند: به دین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز ایمان آرید و آخر روز کافر شوید، شاید (به این حيله) آن‌ها نیز (از اسلام) برگردند) (آل عمران / ۷۲). ولی در خصوص

بازگشت
به دین

حکم مرتد سخنی صریح به میان نیامده است. با این حال دو دیدگاه مستفاد از آیه دوم ارتداد (بقره / ۲۱۷) قابل بررسی است.

الف) آیه دلالت بر وجوب قتل مرتد می‌کند: این حکم مستفاد از کلمه "فَیْمُتْ" است که حاکی از مرگ مرتد است و از آنجا که به وسیله حرف "فاء" متفرع بر ارتداد شده نشان دهنده این است که مرگ مرتد به دنبال ارتداد می‌آید و چون بیشتر مرتدان مرگشان به دنبال ارتدادشان نیست، پس می‌فهمیم که مقصود از مرگ در پی ارتداد، همان کیفر قتل است که در مورد مرتد باید اجرا شود.

و قد أشار العطف فی قوله: فَيَمُتُ بالفاء المفيدة للتعقيب إلى أن الموت يعقب الارتداد وقد علم كل أحد أن معظم المرتدين لا تحضر آجالهم عقب الارتداد فيعلم السامع حينئذ أن المرتد يعاقب بالموت عقوبة شرعية، فتكون الآية بها دليلاً على وجوب قتل المرتد (ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ۳۰۷).

ب) آیه هیچ گونه دلالتی بر وجوب قتل مرتد ندارد: جمله «فَیْمُتْ وَهُوَ كافِرٌ» مؤید این مطلب است که چنانچه شخص در حالت کفر ارتداد از دنیا برود اعمال نیک او در دنیا حبط و از بین می‌رود و در عقبی نیز دچار خسران و مورد عذاب الهی و خلود در دوزخ قرار می‌گیرد.

نقد و بررسی

۱. با بررسی صورت گرفته از ۷۶ تفسیر اهل سنت و ۷۴ تفسیر اهل تشیع با استفاده از نرم افزار جامع تفاسیر معلوم شد که اتفاق و اجماع مدرکی بر پذیرش دیدگاه دوم وجود دارد، اما تنها طرفدار دیدگاه اول ابن عاشور مفسر تفسیر التحریر و التنویر است. صرف نظر از شاذ و نادر بودن این نظر، چنانچه آن را در تعارض با دیدگاه اکثریت بدانیم راه حل برون رفت از این تعارض رجوع به اصل اولی است که در مسئله ارتداد، اصل اولی: حرمت ترتب آثار ارتداد است. در مورد هر یک از آثار ارتداد چنان که دلیل معتبری یافت شد، به مقتضای این اصل نمی‌توان آن آثار را مترتب نمود. و چنانچه در ارتداد شخصی شک و تردید داشتیم، بنا بر اصل اولی، حکم به عدم ارتداد جاری می‌شود؛ زیرا، اسلام شخص، مسلم و قطعی است و بازگشت

لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» «کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند آنگاه به کفر خود افزودند، قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود» مفسرین در باره تفسیر این قسمت از آیه مورد بحث اقوالی دارند که یکی از آنها این است: منظور از این افراد آن دسته از منافقین است که ایمان آوردند و مرتد شدند، نیز ایمان آوردند و سپس مرتد گردیدند. و سرانجام در حال کفر از دنیا رفتند.

ابن عباس می گوید: همه آن افراد منافق که در زمان پیامبر اسلام بودند چه در صحرا و چه در دریا مشمول این آیه می شوند. این تغییر روش های پی در پی، و هر روز به رنگی در آمدن، یا مولود تلون و عدم تحقیق کافی در مبانی اسلام بود، و یا نقشه ای بود که افراد منافق و کفار متعصب اهل کتاب برای متزلزل ساختن مؤمنان واقعی، طرح و اجرا می کردند که با این رفت و آمدهای پی در پی، مؤمنان واقعی را در ایمان خود متزلزل سازند چنانکه در توضیح آیه ۷۲ سوره آل عمران بیان شد.

نتیجه گیری

مفهوم "ارتداد" در قرآن کریم، غالباً در معنای لغوی آن به کار رفته است، لکن علاوه بر آن در پاره ای از آیات معنای اصطلاحی ارتداد نیز استعمال شده است. حیط اعمال مرتد در دنیا و آخرت، از دست دادن درک حقیقت، و دچار خسران مادی و معنوی شدن از جمله آثار ارتداد قلمداد می شود. خداوند متعال ارتداد را به عنوان یک توطئه و جریان فتنه انگیز برای ایجاد تزلزل در باورهای دینی مسلمانان از سوی دشمنان داخلی و خارجی معرفی می کند. با این حال در بیان حکم مبتنی بر مجازات و عقوبت دنیوی ارتداد سکوت اختیار می کند و مکافات آن را در صورت عدم توبه با شرایط صحیح به قیامت موکول می نماید. در این خصوص مفسرین فریقین نیز اتفاق نظر دارند و علاوه بر شأن نزول آیه مورد بحث، حرمت ترتب آثار ارتداد به عنوان اصل اولی نیز گویای این مطلب است. بنابراین، صدور فتوا و اجرای حکم قتل مرتد به پس از رحلت آن حضرت بر می گردد و این حاکی از ادله فقهاتی است نه اجتهادی. با این حال در بین فقه های فریقین در تفصیل و جزئیات مسئله ارتداد و مرتد اختلافات بسیاری به چشم می خورد. که می تواند ناشی از اختلاف در حجیت منابع فقهی و شیوه متفاوت استنباط آنان باشد.

دوفصل نامه دانشگاه قم: سال دوم شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۳

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحرير و التنوير. بيروت: نشر موسسه التاريخ.
۲. ابن عطيه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز. تحقيق: عبدالسلام. بيروت: دارالكتب العلميه.
۳. ثقفی تهرانی محمد. (۱۳۹۸ ق).. تفسير روان جاويد. تهران: انتشارات برهان.
۴. حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد. (۱۳۶۳). تفسير اثنا عشری. تهران: انتشارات میقات.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۵). المفردات فی غریب القرآن. قم: جامعه مدرسين.
۶. طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. (ترجمه مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ترجمه مترجمان). تهران: انتشارات فراهانی.
۹. طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلام.
۱۰. عبد الباقي، فؤاد. (۱۳۷۲). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۱. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب (چاپ سوم). بيروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۲. فضل الله، سید محمدحسین. (۱۴۱۹ ق). تفسیر من وحی القرآن (چاپ دوم). بيروت: دارالملاک.
۱۳. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر أحسن الحديث (چاپ سوم). تهران: بنیاد بعثت.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۷۸ ق). الجامع لاحکام القرآن. بيروت: دارالكتاب العربی.
۱۵. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر.. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۱۷. میرزا خسروانی، علی رضا. (۱۳۹۰). تفسیر خسروی. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۸. ناصح، علی احمد. (۱۳۸۶). بررسی آیات ارتداد در بستر نزول قرآن. مجله پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۳، ۱۰۳-۱۱۸.